

بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی

پرویز میرزاخانی^۱

علی دلاور^۲

بهنام مکوندی^۳

چکیده

زمینه: هوش معنوی، بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع روحانی است که کاربردی آن‌ها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری و بهزیستی فرد شود، در همین رابطه می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی اشاره کرد که با باورهای دینی و مذهبی و به‌خصوص هوش معنوی مرتبط است.

هدف: این تحقیق درصدد است تا رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی در بین دانشجویان پژوهشگر و نخبه را بررسی کند.

روش: جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانشجویان عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش تصادفی طبقه‌ای، حجم نمونه ۳۷۳ نفر تعیین شد. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسش‌نامه‌های سنجش هوش معنوی جامع و ویژگی‌های شخصیتی پنج‌عاملی نثو است که به‌صورت اینترنتی طراحی و اجرا شد.

۱. دانش آموخته گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، اهواز، ایران (نویسنده

مسئول). Parviz_Mirzakhni@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه علامه طباطبایی. delavar.ali@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، گروه روانشناسی، اهواز، ایران.

b.makvandi@khuzestan.srbiau.ac.ir

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین مؤلفه روان‌نژندی از ویژگی شخصیت با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن (هوشیاری، خوبی، جهت‌گیری درونی، معنا و مفهوم، وجود و شخصیت، حقیقت و صداقت، تمامیت و کلیت) همبستگی معکوس و بین مؤلفه‌های برون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و دلپذیر بودن با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی مستقیم وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که تمامی مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی بر روی هوش معنوی تأثیرگذار هستند و به‌جز مؤلفه روان‌نژندی که رابطه معکوس با هوش معنوی دارد مابقی مؤلفه‌ها ارتباط مستقیم با هوش معنوی دارند.

کلید واژه (گان): هوش معنوی، ویژگی‌های شخصیتی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان.

مقدمه

ذات و شیوه بیان هوش روحانی تحت تأثیر فرهنگ، با توجه به گوناگونی افراد در مشخصه‌های شخصیتی، علاقه‌مندی زمینه‌ای، رفتار مذهبی - روحانی، مهارت و ظرفیت‌های وابسته به هوش روحانی متفاوت است. هوش روحانی یک ویژگی بارز جهانی به شمار می‌آید، که به‌طور بالقوه در همه فرقه‌های مذهبی پدیدار است و شیوه بیان آن در بین گروه‌ها و بافت‌های مذهبی و روحانی مختلف، تفاوت دارد (Emmons, 1999; McHuvek, 2003). به‌عبارت‌دیگر، سرچشمه انتظارات از فرد، از ارزش‌های فرهنگی، سوابق فردی و به‌طوردائم بخشی از عقاید شخصی نشأت می‌گیرد. وقتی اشخاص رفتارهای متفاوتی را از خود بروز می‌دهند، گویی توقعات، رنگ می‌گیرند و این توقعات که ناشی از همسان‌سازی بین هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی است، از هر برهه دیگری نیرومندتر می‌شوند. تعامل ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی، منجر به بروز رفتارهای متفاوت می‌شود؛ به‌خصوص اگر انتظارات، ناکام مانده و موجب سرخوردگی شود (معلمی، بخشانی و رقیبی، ۱۳۸۹).

پیوستگی بین هوش معنوی با متغیرهای دیگر همچون ویژگی‌های شخصیتی و متغیرهای تربیتی و پرورشی از مفاهیمی است که ماحصل درک محققان به این حوزه مطالعاتی شده

است؛ چراکه هوش معنوی از یک دیدگاه، سازگاری و تطابق فرد در محیط پیرامونش و از جهتی دیگر، احساس و تجربه‌های معنوی در زندگی بشر را تداعی می‌کند و این توانایی را دارد که همچون سبک و سیاقی برای برخورد و یافتن راه‌حل برای مصائب و دشواری‌های زندگی به کار برد (احمدی، ۱۳۸۵).

می‌توان این‌گونه عنوان کرد، هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی، رابطه معناداری باهم دارند. تحقیقات بسیاری در این رابطه صورت گرفته است که در حیطه ارتباط بین ارزش‌های مذهبی و هوش معنوی انجام شده که مقوله بین هوش معنوی و تعامل آن با ویژگی‌های شخصیتی منجر به بهبود رابطه بین فردی می‌شود (هادی‌تبار، نوابی‌نژاد و قدسی‌احقر، ۱۳۹۰).

با این‌حال، ابهامات پی‌شماری در مورد رابطه بین هوش معنوی با ویژگی‌های شخصیتی وجود دارد که در جایگاه منبع اصلی و خلأ نظری محسوب می‌شود و محقق را بر آن داشته است تا با بررسی ارتباط بین متغیرهای فوق، بتواند بعد از تعیین رابطه بین دو متغیر بیان شده، شدت تأثیر متغیر ویژگی‌های شخصیتی را بر هوش معنوی تعیین نماید. درنهایت، پرسش اصلی تحقیق به این شرح بیان می‌شود، آیا بین ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی در اعضای باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان همبستگی وجود دارد؟

گاردنر (1993) هوش را مجموعه‌ای از توانایی‌ها می‌داند که برای حل مسئله و تولید محصولات جدیدی که در یک فرهنگ باارزش‌اند، به کار می‌روند (Amram, 2007) وی نه جنبه مختلف هوش را بیان می‌کند که مشتمل بر استعداد موسیقی، زبانی، فضایی، درون شخصیتی، منطقی- ریاضی، برون شخصیتی، بدنی- حرکتی و طبیعت‌گرایی است که به استعداد‌های چندگانه معروف‌اند (Gardner, 1993؛ به نقل از Simone and ete, 2005).

از نظر امونز (2000) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به اهداف است.

این چنین به نظر می‌آید که هوش معنوی از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی خود می‌شود. این دیدگاه

شامل همه اتفاق‌ها و تجربه‌های شخص می‌شود که تحت تأثیر یک دید کلی قرار گرفته‌اند. فرد می‌تواند از این هوش برای چارچوب‌دهی و تفسیر مجدد تجربه‌های خود بهره ببرد. این فرآیند قادر است از لحاظ پدیدار شناختی به رویدادها و تجربه‌های فرد معنا و ارزش شخصی بیشتری ببخشد (Nasel, 2004).

لوین (2000) در کتاب خود هوش معنوی را ترکیب معنویت و هوش تصور می‌کند (Nasel, 2004). هوش معنوی مجموعه‌ای از توانایی‌هایی را در بر دارد که از منابع معنوی دریافت می‌شوند؛ در حالی شبیه به هوش هیجانی که در آن مجموعه توانایی‌هایی تعریف می‌شوند که از منابع و اطلاعات هیجانی دریافت می‌شوند. (Emmons, 2000؛ میر، ۲۰۰۴ به نقل از Amram 2007).

در اسلام نیز به‌طور ضمنی به هوش معنوی توجه فراوانی شده است. هوش معنوی باعث فهم عمیق آیات قرآنی می‌شود و موجب می‌شود افراد کلام انبیا را بهتر درک نمایند. برای مثال، عوامل مؤثر بر هوش معنوی در متون اسلامی تقوا، پرهیزگاری به همراه تمرین‌های روزمره از قبیل تدبیر در خلقت، تدبیر در آفاق و انفس، روزه‌داری، عبادت، خواندن و تدبیر صادقانه در آیات قرآن قلمداد شده است (سهرابی، ۱۳۸۷).

مک مولن^۱ (2003) معتقد است ارزش‌هایی مانند شجاعت، یکپارچگی، شهود و دلسوزی از مؤلفه‌های هوش معنوی هستند و بین بصیرت و هوش معنوی رابطه وجود دارد؛ در مقابل، استرس ضد شهود است. وی یکی از راه‌های افزایش بصیرت را توجه آرامش‌بخش عنوان می‌نماید. از نظر مولن نگرانی، تلاش فزاینده و نافرجامی است که به علت تأخیر در تصمیم‌گیری روی می‌دهد. هوش معنوی بیشتر مربوط به پرسیدن است تا پاسخ دادن، بدین معنا که فرد سؤالات بیشتری در مورد خود و زندگی و جهان پیرامون خود مطرح می‌کند (عبداله زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

1. McMullen, B

قرآن به افراد دارای هوش معنوی بالا، صفت اولوالألباب می‌دهد؛ منظور افرادی که به جوهره حقیقت پی برده‌اند و از پرده‌های اوهام عبور نموده‌اند. به‌طور کلی اصولی که در دین مطرح شده است مانند دستیابی به وحدت در ورای کثرت ظاهری، یافتن پاسخ در مورد مبدأ هستی و تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای آن‌ها، محورهای اصلی هوش معنوی هستند. ما می‌توانیم با رشد هوش معنوی، انسان‌های دین‌داری پرورش دهیم. هوش معنوی به افراد، دلسوزی، مهربانی، یکپارچگی در تفاوت‌ها و اتکا به معناداری را می‌آموزد (رقیب و همکاران، ۱۳۸۷).

پژوهش حاضر نیز با توجه به ضرورت ارتباط بین هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی تدوین شده است. بنابراین، می‌توان مهم‌ترین فایده پژوهش حاضر را شناسایی ارتباط بین هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی مطرح نمود.

از آنجایی که یکی از مهم‌ترین اهداف و دغدغه‌های اولیاء جامعه تربیت نسلی نخبه، خلاق و سرآمد است، لذا یافتن ارتباط بین متغیرهای مذکور می‌تواند گامی مهم در تسهیل این امر باشد.

نتایج برخی پژوهش‌ها نیز از این موضوع حکایت می‌کنند که آموزش گروهی مادران با تأکید بر نظریه تحلیل رفتار متقابل بر افزایش مؤلفه‌های خلاقیت، از جمله بسط، انعطاف‌پذیری، سیالی و ابتکار کودکان مؤثر است (درستیان و میرزاخانی، ۱۳۹۱).

درنهایت، از آنجاکه آموزش دانشجویان در بروز و تقویت ویژگی‌های خاص در آن‌ها مؤثر است، به‌عنوان مثال پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش گروهی دانشجویان به روش عقلانی-هیجانی بر افزایش خلاقیت و منبع کنترل درونی مؤثر است (درستیان و میرزاخانی، ۱۳۹۲) لذا اهمیت پژوهش حاضر ایجاب می‌کند تا به بررسی ارتباط بین متغیرهای هوش معنوی، ویژگی‌های شخصیتی در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، پرداخته شود تا با شناخت دقیق‌تر ارتباط بین این مؤلفه‌ها بتوان به آموزش و تقویت مؤلفه‌های تأثیرگذار در این حوزه پرداخت.

هیلگارد در تعریف خود، از کلیت شخصیت فاصله گرفته و نوعی برگشت به قوای ذهنی را در تعریف خود بیان کرده است. او شخصیت را چنین تعریف می‌کند: «شخصیت الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر است که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند» (کریمی، ۱۳۷۹).

بنیادی‌ترین مفهوم ارائه شده در نظریه موری^۱ درباره شخصیت، مفهوم نیازها^۲ است که برای توصیف انگیزش و رفتار کاربرد دارد. کار او در این مهم احتمالاً دقیق‌ترین طبقه‌بندی نیازها را در روان‌شناسی مطرح می‌کند. از منظر موری یک نیاز یک آناطومی فرضی^۳ است که وقوع آن تصور می‌شود تا بعضی واقعیت‌های عینی و ذهنی را توجیه نماید. (کریمی، ۱۳۸۵).

فروید در برداشت خود شخصیت را به سه سطح تقسیم کرد: هشیار^۴، نیمه هشیار^۵ و ناهشیار^۶، او بعداً در دیدگاه سه سطحی شخصیت تجدیدنظر کرد (Schultz & Schultz 1996)، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۶). او معتقد بود که شخصیت از سه نظام عمده تشکیل شده است که عبارت‌اند از نهاد^۷، خود^۸ و فراخود^۹. هر یک از این نظام‌ها کارکردهای خاص خود را دارند. لیکن از راه تعامل با یکدیگر است که به رفتار نظام می‌بخشند (Atkinson & ete 2002)؛ ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۸۳).

ما امروزه می‌دانیم که تجربه‌های کودکی در ایجاد شبکه‌های عصبی که شکل‌دهنده شخصیت و انتظارات فرد از نحوه رفتار دیگران با اوست اهمیت اساسی دارند. تقریباً هر نظریه شخصیتی که در زمان فروید یا بعد از او ارائه شده باشد، به نظریه فروید مدیون است. چراکه یا

-
1. Henry murray
 2. needs
 3. hypothetical Consturct
 4. conscious
 5. preconscious
 6. unconscious
 7. id
 8. ego
 9. superego

بر موضع او بنا نهاده شده یا با آن مخالفت شده است (Kaplan & Sadock, 2000)، ترجمه ریفیعی و رضاعی، ۱۳۸۲).

کوشش منظم برای سازمان‌دهی مفهوم شخصیت کمی بعد از پیشنهاد مک دوگال آغاز شده است. هرچند این تلاش‌ها با دکترین دو روانشناس آلمانی به نام‌های کلیج (1926) و بوم گارتن (1933) آغاز می‌شود اما با اظهارنظر مک دوگال، کلیج عنوان می‌کند که تحلیل دقیقی از زبان به فهم شخصیت کمک خواهد کرد. این امر بوم گارتن را بر آن داشت که اصطلاحات معمول مربوط به شخصیت در زبان آلمانی را موردبررسی قرار دهد.

رابرت مک کری و پل کاستا پنج عامل شخصیت معروف به «پنج عامل نیرومند» یا «پنج بزرگ» را شناسایی کردند که در جدول ۲-۲ آورده شده است (شولتز ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳). این پنج عامل عبارت‌اند از: ۱) روان‌رنجورخویی (۲) برون‌گرایی (۳) انعطاف‌پذیری^۱ (۴) دلپذیر بودن^۲ و (۵) وظیفه‌شناسی.

بین عوامل برون‌گرایی و روان‌نژندی که توسط آنان بیان شده و ابعاد برون‌گرایی و روان‌رنجور خویی در نظریه آیزنک شباهت‌هایی وجود دارد. از این گذشته دلپذیر بودن و وظیفه‌شناسی در الگوی مک کری - کاستا شاید حد پایین بُعد روان‌پریش خویی آیزنک را که «کنترل تکانه» نامیده می‌شود، نشان می‌دهد. انعطاف‌پذیری، همبستگی مثبت بالایی با هوش دارد به همین نحو، دلپذیر بودن نیز با علاقه اجتماعی همبستگی دارد، Mc Crae & Costa (1992؛ Zakerman, 1991)؛ به نقل از کریمی و همکاران، ۱۳۸۳).

روش پژوهش

این پژوهش از نوع پیمایشی همبستگی است و با توجه به موضوع پژوهش می‌توان گفت که نوع پژوهش توصیفی است. بر این اساس اطلاعات موردنیاز از دانشجویان عضو باشگاه

-
1. openness
 2. agreeableness

پژوهشگران جوان و نخبگان جمع آوری شد. بنابراین، آنجا که در مورد افراد، بررسی و تحلیل صورت می گیرد و تعمیم نتایج به افراد است، سطح تحلیل خرد است. این پژوهش از نظر زمانی در سال تحصیلی ۹۱ و ۹۲ صورت گرفته است.

پژوهش حاضر از جهتی نیز پژوهش کاربردی محسوب می شود که نه برای ارضاء کنجکاوی های ژرف پژوهشگر، بلکه حل مسئله ای فردی، گروهی یا اجتماعی انجام پذیرفت.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی: بین ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان همبستگی وجود دارد.
فرضیه های فرعی:

- ۱- بین مؤلفه روان نژندی از ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه های آن رابطه همبستگی وجود دارد.
- ۲- بین مؤلفه برون گرایی از ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه های آن رابطه همبستگی وجود دارد.
- ۳- بین مؤلفه مسئولیت پذیری از ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه های آن رابطه همبستگی وجود دارد.
- ۴- بین مؤلفه انعطاف پذیری از ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه های آن رابطه همبستگی وجود دارد.
- ۵- بین مؤلفه دلپذیر بودن از ویژگی های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه های آن رابطه همبستگی وجود دارد.

جامعه آماری حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانشجویان عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان تشکیل می‌دهند. تعداد کل آن‌ها در سال تحصیلی ۱۳۹۲ - ۱۳۹۱ حدود ۱۰۲۰۰ نفر بوده است که در ۳۲ استان و ۲۲۰ دفتر و شعبه باشگاه مستقر در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی عضویت داشته‌اند.

در راستای تعیین حجم نمونه، با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران برای جوامع محدود، به تعیین حجم نمونه پرداخته شد. از بین تمامی واحدهای دانشگاهی در ۳۲ استان با استفاده از روش تصادفی طبقه‌ای، نمونه‌های پژوهش به تناسب تعداد اعضای کل هر دفتر و شعبه توسط روسای دفاتر انتخاب و به پژوهشگر معرفی شدند. از ویژگی‌های خاص این تحقیق طراحی پرسشنامه‌ها بصورت الکترونیک با استفاده از امکانات گوگل‌درایو می‌باشد. پرسشنامه‌های الکترونیک از طریق ایمیل اعضا توزیع شده است که به نسبت تعداد اعضای هر واحد و به نسبت جنسیت بوده است که در نهایت ۴۲۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد که ۳۷۳ پرسشنامه مورد قبول بود.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی پنج عاملی نتو: فرم اولیه این پرسشنامه، توسط پائولتی کاستا و روبرت آر. مک‌کری^۱ در سال ۱۹۸۵ با استفاده از رویکردهای نوین شخصیت و دیدگاه آیزنگ طراحی شد. از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲، این پژوهشگران به دنبال این بودند تا با استفاده از رویکرد تحلیل عامل اکتشافی و پس از آن تحلیل عامل تأییدی بتوانند فرم نهایی پرسشنامه پنج عاملی شخصیت را رواسازی، اعتبارسنجی و هنجاریابی کنند. در سال ۱۹۹۲ که

1. Casta, P.T & Mccary, R.R

فرم نهایی پرسش‌نامه پنج عاملی عرضه شد، ارقام و داده‌های تجربی معرف روایی و اعتبار مقبول این آزمون بوده که بستر مناسبی برای توسعه آزمون پنج عاملی فراهم ساخت.

در زمینه^۱ روایی سازه این پرسش‌نامه، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که در آغاز با استفاده از روش تحلیل عامل اکتشافی و پس از آن روش تحلیل عامل تأییدی، روایی این ابزار تأیید شد. در ایران نیز می‌توان به پایان‌نامه دکترای تخصصی گروسی فرشی (۱۳۸۰) اشاره نمود که جامعه آماری او بیش از ۱۵۰۰ دانشجوی بود. وی با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی و بهره‌گیری از شیوه چرخش واریماکس دریافت که هر پنج عامل، مقادیر ویژه^۱ بالاتر از یک را نشان می‌دهند و در مجموع ۰/۶۰ ویژگی‌های شخصیتی را تبیین می‌کند.

علاوه بر روایی سازه، می‌توان به روایی محتوایی این آزمون اشاره کرد که در مجموع صفت را به‌عنوان پنج عامل عمده^۲ اندازه‌گیری می‌کند. برای هر عامل، ۱۲ گویه^۳ یا معرفه^۴ در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، هر عامل در آزمون فوق، ۱۲ سؤال در بر دارد. مجموع سؤالات به گونه منظم دارای شصت سؤال است که می‌تواند پنج صفت را از طریق ۶۰ گویه یا سؤال اندازه‌گیری کند که توسط دکتر نفیسی در دانشگاه آزاد هنجاریابی شد و در این پژوهش استفاده شده است.

ضرایب اعتبار آزمون نئو در هر پنج صفت و همچنین در کل، هماهنگی بالاتر از ۰/۷۳ است. این وضعیت نشان‌دهنده ضرایب اعتبار مطلوب آزمون پنج عاملی است (قهرمانی، ۱۳۸۱). در ایران، ضرایب اعتبار به‌دست آمده بر روی کارکنان ایران خودرو بالاتر از ۰/۸۰ بوده (قهرمانی، ۱۳۸۱) و این روند در جامعه دانشجویان نیز بالاتر از ۰/۷۵ است. به‌صورت کلی می‌توان ضرایب اعتبار این آزمون را بر روی محور روان‌نژندی رقم (۰/۸۳)، برون‌گرایی (۰/۷۵)، انعطاف‌پذیری (۰/۸۰)، توافق‌پذیری (۰/۷۹) و باوجدان بودن (۰/۷۹) تعریف کرد.

1. eigenvalue
2. bigfive
3. statement
4. indicator

اعتبار درازمدت آزمون نئو پی‌آی نیز ارزیابی شد. یک مطالعه طولی شش ساله روی مقیاس‌های روان‌نژندی، برون‌گرایی و انعطاف‌پذیری انجام شده و ضرایب اعتبار آن‌ها به ترتیب ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ به دست آمده است. همچنین ضرایب اعتبار مقیاس‌های توافق‌پذیری و باوجدان بودن نیز به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ حاصل گردید (Kasta & Mc Kary, 1992).

در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ویژگی‌های شخصیتی نئو، برای مؤلفه روان‌نژندی ۰/۸۳، برون‌گرایی ۰/۶۹، انعطاف‌پذیری ۰/۴۶، دل‌پذیری ۰/۷۰ و مسئولیت‌پذیری ۰/۸۰ محاسبه شد.

۲- پرسش‌نامه هوش معنوی: ابزاری که برای این پژوهش به کار می‌رود، پرسش‌نامه هوش معنوی جامع است. پایه نظری این پرسش‌نامه بر اساس تعریف آمرام (2007) از هوش معنوی است. بنا به این تعریف هوش معنوی یعنی استفاده از منابع معنویت و ارزش‌ها در فعالیت روزمره و ایجاد رضایتمندی از خود. مقیاس هوش معنوی در سال ۲۰۰۷م. توسط آمرام و دایر ساخته شد و دارای ۸۳ گویه است. از نظر روایی و پایایی، روایی همزمان این پرسش‌نامه با دو پرسش‌نامه دیگر (رضایتمندی از زندگی و تجربیات معنوی) سنجیده شده است. طبق نتایج به دست آمده نمرات تجربیات معنوی همبستگی بالایی با نمرات هوش داشته (۰/۷۳) و همچنین بین هوش معنوی و رضایتمندی از زندگی هم همبستگی بالایی وجود داشته است (۰/۷۳). در مقیاس پرسش‌نامه مذکور میانگین کل ۴/۳۰ و انحراف استاندارد ۰/۶۲ سنجیده شده بود. نشان دهنده آن است که اگر فردی میانگین پایین‌تر از ۴/۳۰ به دست آورد نیاز به تقویت و تمرین جهت افزایش هوش معنوی خود دارد و هرچه میانگین بالاتر از ۴/۳۰ باشد به معنای هوش معنوی بالاتر است.

نسخه فارسی این پرسش‌نامه توسط حسینی (۱۳۸۹) هنجاریابی شد. در خصوص نسخه فارسی ابتدا پرسش‌نامه به فارسی ترجمه و دوباره به انگلیسی ترجمه شد و توسط دکتر استیون اریک بررسی شد. پس از تأیید ترجمه پرسش‌نامه بر روی ۶۰ دانش‌آموز ایرانی با میانگین سنی ۱۵ سال اجرا شد. طبق نتایج به دست آمده روایی صوری پرسش‌نامه برای این گروه سنی خوب

بود و تمام سؤالات برایشان قابل فهم بود. پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۶) سنجیده شد که نشان دهنده پایایی بالا است.

روش نمره گذاری: گزینه‌ها از ۱ تا ۶ بدین ترتیب که «هرگز» نمره ۱ «بسیار به ندرت» نمره ۲ «تا حدی» نمره ۳ «معمولاً» نمره ۴ «اکثر اوقات» نمره ۵ و «همیشه» نمره ۶ می‌گیرد (عبارت‌های معکوس که با R نشان داده شده‌اند، به صورت معکوس نمره می‌گیرند). نمره هر خرده مقیاس برابر با میانگین سؤالات مربوط است و نمره هر مقیاس از طریق میانگین نمرات خرده مقیاس به دست می‌آید.

روش‌های تجزیه و تحلیل آماری

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. بدین منظور از نرم‌افزار آماری اسپ‌اس‌اس نسخه ۲۰ استفاده شد. آماره‌های مورد استفاده منطبق با سطوح اندازه گیری متغیرها است.

برای بررسی هنجاری متغیر هوش معنوی از آزمون کولموگورف - اسمیرنف استفاده شد. در جدول شماره یک ابتدا آمار توصیفی مربوط به توزیع نرمال متغیر هوش معنوی و سپس در جدول دو اطلاعات آزمون کولموگورف - اسمیرنف بررسی شد.

Archive of SID

جدول ۱. آماره‌های توصیفی مربوط به بررسی توزیع نرمال متغیر هوش معنوی

هوش معنوی	آماره	خطای استاندارد
میانگین	۴/۴۶۴۴	۰/۲۰۵۵
کران پایین	۴/۴۲۴۰	
فاصله اطمینان	کران بالا	۴/۵۰۴۸
میانگین ۵ درصدی (گوش بریده)	۴/۴۷۳۷	
میانه	۴/۴۷۳۴	
واریانس	۰/۱۵۸	
انحراف استاندارد	۰/۳۹۶۸۶	
مینیمم	۳/۱۳	
ماکزیمم	۵/۴۵	
دامنه تغییرات	۲/۲۳	
دامنه تغییرات بین چارکی	۰/۵۷	
چولگی	- ۰/۲۷۹	۰/۱۲۶
کشیدگی	- ۰/۰۹۰	۰/۲۵۲

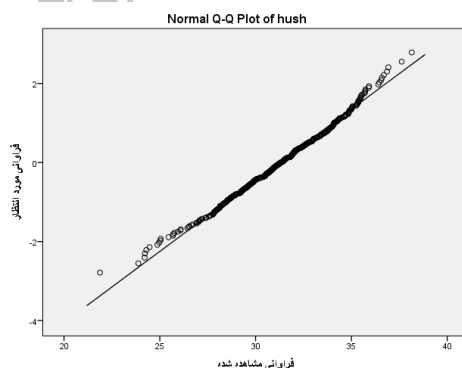
میانگین حسابی به دست آمده برابر با ۴/۴۶ با میانگین حسابی بریده شده به میزان ۴/۴۷ تقریباً برابر است و این نتیجه یکی از نشانه‌های نرمال بودن متغیر وابسته، هوش معنوی است. نزدیکی میزان میانه به میانگین نیز نتیجه بالا را تأیید می‌کند. دامنه تغییرات برابر با $R=۲/۳۲$ شده است.

دامنه بین چارکی، شاخص بهتری برای پراکندگی و نرمال بودن است، زیرا دامنه تغییرات بین چارکی به سادگی تحت تأثیر مقادیر پرت قرار نمی‌گیرد. دامنه بین چارکی برابر با $0/57$ بدین معنی است که ۵۰ درصد پاسخگویان در هوش معنوی به میزان $0/57$ واحد از یکدیگر فاصله دارند. نسبت میزان کجی به خطای معیار آن کمتر از ۲ است، همچنین نسبت میزان کشیدگی نیز نسبت به خطای معیار کمتر از ۲ است، بنابراین نتایج فوق نیز حاکی از آن است که متغیر هوش معنوی دارای توزیع متقارن و نرمال است.

جدول ۲. آزمون کولموگورف - اسمیرنف

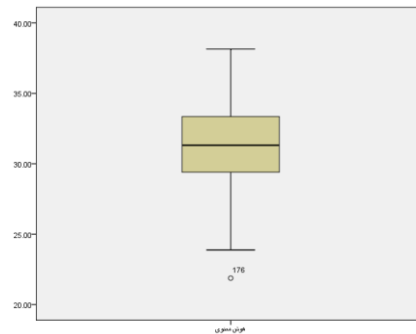
شاپیرو - ویلک		کولموگورف - اسمیرنف		هوش معنوی
سطح معناداری	درجه آزادی	سطح معناداری	درجه آزادی	
$0/069$	۳۷۳	$0/200^*$	۳۷۳	$0/029$

نتایج آزمون ویلک و اسمیرنف نیز در فاصله اطمینان ۹۵ درصد به ترتیب دارای سطح معناداری $0/200$ و $0/069$ را نشان می‌دهند که به علت بالا بودن سطح معناداری از $0/05$ توزیع متقارن و نرمال متغیر هوش معنوی را تأیید می‌کند.



نمودار ۱. نمودار Q.Q

خط نرمال در این منحنی مشخص شده و پراکندگی نمونه‌ها بر روی آن آمده است که پراکندگی نمونه‌ها بر روی خط نرمال، توزیع متقارن و نرمال متغیر هوش معنوی را تأیید می‌کند.



نمودار ۲. نمودار باکس پلات

این نمودار به‌طور هم‌زمان میانه، دامنه تغییرات بین چارکی و بیشترین و کمترین مقادیر در نمونه‌ها را نشان می‌دهد. تقارن منحنی جعبه‌ای نیز شاهدهی دیگر بر توزیع نرمال هوش معنوی است.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان رابطه وجود دارد.

جدول ۳. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی

هوش معنوی	میزان همبستگی	روان‌نژندی	برون‌گرایی	انعطاف‌پذیری	دلپذیر بودن	مسئولیت‌پذیری
هوش معنوی	میزان همبستگی سطح معناداری	** - ۰/۵۷۵ ۰/۰۰۰	** ۰/۵۹۴ ۰/۰۰۰	** ۰/۱۹۲ ۰/۰۰۰	** ۰/۴۸۸ ۰/۰۰۰	** ۰/۵۶۷ ۰/۰۰۰
هوشیاری	میزان همبستگی سطح معناداری	** - ۰/۲۹۱ ۰/۰۰۰	** ۰/۳۴۵ ۰/۰۰۰	۰/۰۵۹ ۰/۲۵۵	** ۰/۳۱۴ ۰/۰۰۰	** ۰/۳۷۹ ۰/۰۰۰
خوبی	میزان همبستگی سطح معناداری	** - ۰/۵۹۱ ۰/۰۰۰	** ۰/۶۱۸ ۰/۰۰۰	** ۰/۱۵۱ ۰/۰۰۰	** ۰/۴۵۵ ۰/۰۰۰	** ۰/۵۳۴ ۰/۰۰۰
جهت‌گیری درونی	میزان همبستگی سطح معناداری	** - ۰/۳۴۲ ۰/۰۰۰	** ۰/۲۹۰ ۰/۰۰۰	** ۰/۱۶۷ ۰/۰۰۰	** ۰/۲۱۹ ۰/۰۰۰	** ۰/۲۳۲ ۰/۰۰۰
معنا و مفهوم	میزان همبستگی سطح معناداری	** - ۰/۴۱۲ ۰/۰۰۰	** ۰/۴۴۸ ۰/۰۰۰	** ۰/۱۵۰ ۰/۰۰۰	** ۰/۴۱۲ ۰/۰۰۰	** ۰/۴۹۲ ۰/۰۰۰
وجود و شخصیت	میزان همبستگی سطح معناداری	** - ۰/۲۲۳ ۰/۰۰۰	** ۰/۳۸۳ ۰/۰۰۰	** ۰/۲۱۵ ۰/۰۰۰	** ۰/۲۶۰ ۰/۰۰۰	** ۰/۳۴۲ ۰/۰۰۰
حقیقت و صداقت	میزان همبستگی سطح معناداری	** - ۰/۷۲۳ ۰/۰۰۰	** ۰/۵۳۵ ۰/۰۰۰	* ۰/۱۰۸ ۰/۰۳۸	** ۰/۵۱۷ ۰/۰۰۰	** ۰/۴۵۰ ۰/۰۰۰
تمامیت و کلیت	میزان همبستگی سطح معناداری	- ۰/۲۹۵ ۰/۰۰۰	* ۰/۳۹۱ ۰/۰۰۰	۰/۱۶۲ ۰/۰۰۲	۰/۳۲۰ ۰/۰۰۰	۰/۴۸۱ ۰/۰۰۰

** در سطح ۰/۰۱ معنادار است. * در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

در این جدول بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن و مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی آزمون همبستگی پیرسون اعمال شد تا علاوه بر بررسی رابطه همبستگی بین این متغیرها با هم، میزان، شدت و جهت رابطه آن‌ها را نیز به صورت جداگانه بررسی کنیم.

فرضیه فرعی اول: بین مؤلفه روان‌نژندی از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی وجود دارد.

روان‌نژندی با اطمینان ۹۹ درصد با «هوش معنوی»، «هوشیاری»، «خوبی»، «جهت‌گیری درونی»، «معنا و مفهوم»، «وجود و شخصیت»، «حقیقت و صداقت» و «تمامیت و کلیت» همبستگی معناداری دارد. با توجه به علامت منفی این ضریب رابطه بین دو متغیر معکوس است. فرضیه فرعی دوم: بین مؤلفه برون‌گرایی از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی وجود دارد.

برون‌گرایی با اطمینان ۹۹ درصد با «هوش معنوی»، «هوشیاری»، «خوبی»، «جهت‌گیری درونی»، «معنا و مفهوم»، «وجود و شخصیت»، «حقیقت و صداقت» و «تمامیت و کلیت» همبستگی معناداری دارد. با توجه به علامت مثبت این ضریب جهت رابطه بین دو متغیر مستقیم است.

فرضیه فرعی سوم: بین مؤلفه انعطاف‌پذیری از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی وجود دارد.

انعطاف‌پذیری با اطمینان ۹۹ درصد با «هوش معنوی»، «هوشیاری»، «خوبی»، «جهت‌گیری درونی»، «معنا و مفهوم»، «وجود و شخصیت»، «حقیقت و صداقت» و «تمامیت و کلیت» همبستگی معناداری دارد. با توجه به علامت مثبت این ضریب جهت رابطه بین دو متغیر مستقیم است. انعطاف‌پذیری با مؤلفه هوشیاری رابطه معناداری ندارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین مؤلفه دلپذیر بودن از ویژگی‌های شخصیتی با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی وجود دارد.

دلپذیر بودن با اطمینان ۹۹ درصد با «هوش معنوی»، «هوشیاری»، «خوبی»، «جهت‌گیری درونی»، «معنا و مفهوم»، «وجود و شخصیت»، «حقیقت و صداقت» و «تمامیت و کلیت»

همبستگی معناداری دارد. با توجه به علامت مثبت این ضریب جهت رابطه بین دو متغیر مستقیم است.

فرضیه فرعی پنجم: بین مؤلفه مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی وجود دارد.

مسئولیت‌پذیری با اطمینان ۹۹ درصد با «هوش معنوی»، «هوشیاری»، «خوبی»، «جهت‌گیری درونی»، «معنا و مفهوم»، «وجود و شخصیت»، «حقیقت و صداقت» و «تمامیت و کلیت» همبستگی معناداری دارد. با توجه به علامت مثبت این ضریب جهت رابطه بین دو متغیر مستقیم است.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اصلی اول: بین ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون به شرح زیر است:

فرضیه فرعی اول: بین مؤلفه روان‌نژندی از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده بین روان‌نژندی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی معنادار و معکوس وجود دارد؛ بنابراین، فرضیه فرعی اول تأیید می‌شود.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های عابدی و سرخی (۱۳۸۷)، حمید، کیخسروانی، بابامیری و دهقانی (۱۳۹۱)، رقیب، احمدی و سیادت، (۱۳۸۷)، نصرافهانی و اعتمادی، (۱۳۹۱)، امرایی، فراهانی، ابراهیمی و باقری (۲۰۱۱)، محمدزاده و همکاران (۲۰۰۵)، کشاورز، شاه‌نظری و کلانتری، (۱۳۸۸)، نصر، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)، نصیحت‌کن (۱۳۸۹)، شفائی، فیض‌نژاد (۱۳۸۹)، اسلامی فارسانی، آروفزاد و آقاحسینی (۲۰۱۳)، برگ، مایرز و میلر

(2011)، آنترینر، هابر، سورگو، کولیکات و فینک (2012)، یانکر، اشنابلرانج و دیهان (2012)، امرایی و همکاران (2011)، آنترینر و همکاران (2010)، عابدل خالک (2013)، سود، بخشی و گوپتا (2012) هم‌سوست.

تبیین: اینکه ویژگی‌های شخصیتی با تفاوت‌های فردی در سازمان‌دهی و ابزار هوش معنوی مرتبط است مک‌هوک (2002) پیشنهاد داده است، برخی از ویژگی‌های شخصیتی با ویژگی‌های هوش معنوی هماهنگ، منسجم و موافق است. در تلاشی برای بررسی نظریه شخصیت‌های مختلف، مک کری و کاستا (1990) ویژگی‌های ثبات عاطفی، سازگاری و باز بودن برای افرادی که معمولاً هوش معنوی‌شان را ابراز می‌کنند را بیان می‌دارند. این ویژگی‌ها به‌طور ذاتی با ثبات هیجانی، مهربانی، مسئولیت‌پذیری، باز بودن و خلاق بودی هماهنگ و سازگار است و با سطح بالایی از رشد هوش معنوی مرتبط است (حسینی و همکاران، 2010).

روان‌نژندی یکی از ویژگی‌های شخصیتی است که با هوش معنوی رابطه قوی و معکوس دارد. در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که به این نتیجه ارتباط نزدیکی دارد. اسمیت (2005) در مطالعه‌ای نشان داد هوش معنوی لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که هوش معنوی بالاتر دارند در برابر فشارهای زندگی تحمل بیشتری دارند و توانایی بالاتری برای سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند.

فرضیه فرعی دوم: بین مؤلفه برون‌گرایی از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده، برون‌گرایی با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی معنادار و مستقیم دارد؛ بنابراین، فرضیه فرعی دوم تأیید می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های عابدی و سرخی (۱۳۸۷)، رقیب، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)، نصرافهانی و اعتمادی (۱۳۹۱)، امرایی، فراهانی، ابراهیمی و باقری (2011)، آزاده و توکلی (2002)، نصر، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)، اسلامی فارسانی، آروفزاد و آقاحسینی (2013)، آنترینر و همکاران (2010) هم‌راستاست و با یافته‌های پژوهش‌های کشاورز،

شاه‌نظری و کلانتری (۱۳۸۸)، ساروگلو (۲۰۰۲)، استری فلر و مک نالی (۱۹۹۸)، فیرن‌لوئیس و فرانسیس (۲۰۰۳)، عابدل خالک (۲۰۱۳) مغایرت دارد.

تبیین: برون‌گرایی، از ویژگی‌های شخصیتی است که ارتباط قوی و مستقیمی با هوش معنوی دارد. کوستا، مک کری وهالند (۱۹۸۴) معتقدند برون‌گراها، جامعه‌گرا هستند اما توانایی اجتماعی فقط یکی از صفاتی است که حیثه برون‌گرایی دارای آن است. علاوه بر آن دوست داشتن مردم، ترجیح گروه‌های بزرگ و گردهمایی‌ها، با جرئت بودن، فعال بودن و پرحرف بودن، سرخوشی، باانرژی و خوش‌بین بودن نیز از صفات برون‌گراهاست.

بنابر تعریف جان و سریواستاوا (۱۹۹۹) برون‌گرایی بیانگر وجود رویکردی پرانرژی به جهان مادی و اجتماعی در فرد است که ویژگی‌هایی چون مردم‌آمیزی، فعال بودن، قاطعیت و جرئت را شامل می‌شود. سازش‌پذیری نشانگر جهت‌گیری اجتماعی و جامعه‌پسند در مقابل نگرش خصمانه نسبت به دیگران است که ویژگی‌هایی چون نوع‌دوستی، خوش‌قلبی، اعتماد و فروتنی را شامل می‌شود.

ولمن (۲۰۰۱) اجتماعی بودن و ادراک فراحسی را دو مهارت اساسی هوش معنوی معرفی می‌کند. هوش معنوی بنا به تعریف امونز (۲۰۰۰) چهارچوبی برای شناسایی و ساماندهی مهارت‌ها و توانمندی‌های موردنیاز است به گونه‌ای که با استفاده از معنویت، میزان انطباق‌پذیری فرد افزایش می‌یابد (Amram, 2009). پیدمونت (۱۹۹۹) معنویت را یک صفت انگیزشی در نظر می‌گیرد. یک نیروی عاطفی نامشخص که سائق، هدایت‌گر و گزینش‌گر رفتارها است. پیدمونت (۲۰۰۴)، معنویت، منبع درونی انگیزش، سازه‌ای نسبتاً پایدار در طی زمان است و افراد را به سمت اهداف مشخص سوق می‌دهد. از این دیدگاه، معنویت همانند صفات انگیزشی دیگر، مانند برون‌گرایی، قدرت، پیوندجویی و وظیفه‌شناسی عمل می‌کند.

مک مولن (۲۰۰۳) معتقد است ارزش‌هایی مانند شجاعت، یکپارچگی، شهود و دلسوزی از مؤلفه‌های هوش معنوی هستند. همچنین وی معتقد است بین بصیرت و هوش معنوی رابطه وجود دارد و در مقابل، استرس ضد شهود است.

با توجه به مقایسه نتایج پژوهش حاضر با سایر نتایج متضاد به دست آمده از برخی از پژوهش‌ها به نظر می‌رسد از آنجا که هوش معنوی بیشتر جنبه "بودن" دارد نه جنبه رفتاری به همین سبب همبستگی و رابطه مستقیم آن با برون‌گرایی تأیید شده است ولی از آنجا که عمل به باورهای دینی بیشتر جنبه رفتاری دارد بر اساس گزارش‌های برخی از سایر پژوهش‌ها با هوش معنوی رابطه دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین مؤلفه انعطاف‌پذیری از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده انعطاف‌پذیری با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن (به جز مؤلفه هوشیاری) همبستگی معنادار و مستقیم دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های رقیب، احمدی و سیادت، (۱۳۸۷)، نصر اصفهانی و اعتمادی، (۱۳۹۱)، نصر، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)، زهر و مارشال (۲۰۰۰)، ساروگلو (۲۰۰۲)، اسلامی فارسانی، آروفزاد و آقاحسینی (۲۰۱۳)، آنترینر و همکاران (۲۰۱۰)، سود، بخشی و گوپتا (۲۰۱۲) در یک راستا قرار دارند و با یافته‌های پژوهش‌های استری فلر و مک نالی (۱۹۹۸)، دوریز (۲۰۰۲)، مک کری (۱۹۹۶)، رز و همکاران (۲۰۰۵)، کشاورز، شاه‌نظری و کلانتری (۱۳۸۸)، امرایی و همکاران (۲۰۱۱) مغایر است.

تبیین: یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی انعطاف‌پذیری است که رابطه متوسط و مستقیمی با هوش معنوی دارد. از دیدگاه مک کری و کوستا (۱۹۸۵) عناصر انعطاف‌پذیری چون تصور فعال، احساس زیباپسندی، توجه به احساسات درونی، تنوع‌طلبی، کنجکاوی ذهنی و استقلال در قضاوت، اغلب نقشی در تئوری‌های و سنجش‌های شخصیت ایفا نموده‌اند، اشخاص منعطف هم درباره دنیای درونی و هم درباره دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آن‌ها از لحاظ تجربه غنی است. آن‌ها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش‌های غیرمتعارف بوده و بیشتر و عمیق‌تر از اشخاص غیر انعطاف‌پذیر هیجان‌های مثبت و منفی را تجربه می‌کنند.

در خصوص تأیید نشدن همبستگی معنادارِ انعطاف‌پذیری با هوشیاری می‌توان چنین بیان کرد: از آنجاکه یکی از خرده‌مقیاس‌های هوشیاری، آگاهی - توانمندی اداره کردن موقعیتی که در آن هستیم و اهدافی که با سطح هوشیاری بالا در آن لحظه داریم - است، شاید بتوان نبود همبستگی معنادار را چنین تبیین کرد از آنجایی که عنصر پیگیری و سماجت از ابزارهای لازم برای اداره کردن موقعیت‌ها و دنبال کردن اهداف است، از نظر ذاتی شاید بتوان گفت نقطه مقابل انعطاف‌پذیری است؛ به همین دلیل ممکن است وجود این دو عنصر این عدم همبستگی را سبب شده است.

با توجه به مقایسه نتایج پژوهش حاضر با سایر نتایج متضاد به‌دست‌آمده از برخی از پژوهش‌ها به نظر می‌رسد از آنجاکه هوش معنوی بیشتر جنبه «بودن» دارد نه جنبه رفتاری به همین سبب همبستگی و رابطه مستقیم آن با انعطاف‌پذیری تأیید شده است ولی از آنجاکه عمل به باورهای دینی بیشتر جنبه رفتاری دارد بر اساس گزارش‌های برخی از سایر پژوهش‌ها باهوش معنوی رابطه نداشته و یا رابطه معکوس دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین مؤلفه دلیزیر بودن از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده دلیزیر بودن باهوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی معنادار و مستقیم دارد. لذا فرضیه فرعی چهارم تأیید می‌شود.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های رقیب، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)، نصرافهانی و اعتمادی (۱۳۹۱)، امرایی، فراهانی، ابراهیمی و باقری (۲۰۱۱)، کشاورز، شاه‌نظری و کلانتری (۱۳۸۸)، نصر، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)، ساروگلو (۲۰۰۲)، دوریز (۲۰۰۲)، رز و همکاران (۲۰۰۵)، وینک و همکاران (۲۰۰۷)، جنیفر و برنت (۲۰۰۷)، اسلامی فارسانی، آروفزاد و آقاحسینی (۲۰۱۳)، آقابابایی (۲۰۱۲)، سود، بخشی و گوپتا (۲۰۱۲) هم‌راستا است.

تبیین: دلپذیر بودن، از دیگر ویژگی‌های شخصیت است که رابطه متوسط و مستقیمی با هوش معنوی دارد. یک فرد دلپذیر اساساً نوع دوست است. او با دیگران همدردی می‌کند و باور دارد که دیگران نیز متقابلاً کمک کننده هستند. مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو (2005) در آمریکا برای هوش معنوی شش مهارت تعریف کرده است. این مهارت‌ها شامل: دلسوزی برای دیگران، احساس ملکوتی، خردورزی، توانایی گوش دادن، توکل بر خدا، تعهد و ایمان است. مک‌هوک (2002) در زمینه ارتباط ویژگی‌های شخصیتی با تفاوت‌های فردی در سازمان‌دهی و ابزار هوش معنوی پیشنهاد داده است قطعاً برخی از ویژگی‌های شخصیتی با ویژگی‌های هوش معنوی، هماهنگ و منسجم و موافق است. مک کری و کاستا (1990) در تلاشی برای بررسی نظریه شخصیت‌های مختلف ویژگی‌های ثبات عاطفی، سازگاری و باز بودن برای افرادی که معمولاً هوش معنوی‌شان را ابراز می‌کنند بیان می‌دارد این ویژگی‌ها به‌طور ذاتی با ثبات هیجانی، مهربانی، مسئولیت‌پذیری، باز بودن، و خلاق بودن هماهنگ و سازگار است و با سطح بالایی از رشد هوش معنوی ارتباط دارد (حسینی و همکاران، 2010).

فرضیه فرعی پنجم: بین مؤلفه مسئولیت‌پذیری از ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی و مؤلفه‌های آن در اعضاء باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج به‌دست آمده مسئولیت‌پذیری با هوش معنوی و مؤلفه‌های آن همبستگی معنادار و معکوس دارد. بنابراین، فرضیه فرعی پنجم نیز تأیید می‌شود.

یافته‌های پژوهش در این بخش با پژوهش‌های زارع، پدرام و شیروانیان، (۱۳۹۱)، عابدی و سرخی (۱۳۸۷)، رقیب، احمدی و سیادت (۱۳۸۷)، نصرافهانی و اعتمادی (۱۳۹۱)، امرایی، فراهانی، ابراهیمی و باقری (2011)، کشاورز، شاه‌نظری و کلانتری (۱۳۸۸)، نصر، احمدی و سیادت، (۱۳۸۷)، نصیحت‌کن (۱۳۸۹)، مک‌هاوک (2002)، ساروگلو (2002)، دوریز (2002)، وینک و همکاران (2007)، جنیفر و برنت (2007)، اسلامی فارسانی، آروفزاد و آقاحسینی (2013)، آقابابایی (2012) هم جهت است.

تبیین: آخرین ویژگی شخصیتی در این پژوهش مسئولیت‌پذیری است که ارتباط قوی و مستقیمی با هوش معنوی دارد. در این راستا کشمیری و عرب احمدی (۱۳۸۶) معتقدند که یکی از ویژگی‌های افراد دارای هوش معنوی این است که آن‌ها دیگران را به خاطر چیزی سرزنش نمی‌کنند و همواره مسئولیت بخش خود و عملکردهایشان را می‌پذیرند.

یکی از معانی هوش معنوی از دیدگاه دانا زوهر، خودجوشی است؛ این کلمه از ریشه واژه لاتینی نظیر اعتبار و مسئولیت می‌آید. این کلمه متناسب با تعامل با محیط است و به ترس مربوط نمی‌شود (حسینی و همکاران، ۲۰۱۰).

منابع

- اتکینسون. آر. آل. اتکینسون. آر. اس، هیلگارد آر. آر (۲۰۰۳). *زمینه روانشناسی*، ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران. ۱۳۸۳. جلد ۲، تهران: انتشارات رشد.
- پروین، لارنس ای. *روانشناسی شخصیت*، ترجمه پروین کدیور و محمدجعفر جوادی (۱۳۷۷). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حمید، نجمه؛ کیخسروانی، مولود؛ بابامیری، محمد؛ دهقانی، مصطفی (۱۳۹۱). بررسی رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، جنتاشاپیر، ۳ (۲): ۳۳۱-۳۳۸
- درستیان، الهام؛ میرزاخانی، پرویز (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش گروهی مادران بر افزایش خلاقیت کودکان: با تأکید بر روش تحلیل رفتار متقابل. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۲(۱): ۸۵-۱۰۵
- درستیان، الهام؛ میرزاخانی، پرویز (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مشاوره گروهی به روش عقلانی-هیجانی بر منبع کنترل و خلاقیت دانشجویان: با تأکید بر روش تحلیل رفتار متقابل. *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۳(۳): ۱۵۹-۱۳۹
- رقیب، مائده سادات و همکاران (۱۳۸۷). تحلیلی میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی. *پژوهشنامه مطالعات روانشناسی تربیتی*، شماره هشتم،

ص ۳۹-۳۵.

رقیب، مائده سادات؛ احمدی، سیدجعفر؛ سیادت، سیدعلی (۱۳۸۷). تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های روان‌شناختی، *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۵ (۸).

رقیب، مائده؛ احمدی، سیادت، علی (۱۳۸۷). تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، *پژوهشنامه مطالعات روانشناسی تربیتی*، شماره هشتم، صفحه ۴۰-۵۶.

زارع، حسین؛ پدرام، احمد؛ شیروانیان، الهه (۱۳۹۱). پیش‌بینی هوش معنوی دانشجویان از روی صفات شخصیتی آن‌ها، *پژوهش‌های علوم رفتاری*، ۱۰ (۱): ۵۹-۶۷.

ساراسون ای جی و ساراسون پی آر (۱۹۹۱). *روان‌شناسی مرضی جلد ۱*، ترجمه بهمن نجاریان، محمد علی اصغری مقدم و محسن دهقانی (۱۳۷۵). تهران: رشد.

سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. *فصلنامه سلامت روان*، سال اول شماره اول.

شولتز، دوان و شولتز، آلن (۱۹۹۸). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۷۹). تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

عابدی، فرشته؛ سرخی، زهرا (۱۳۸۷). رابطه بین هوش معنوی و صفات شخصیت در بین افراد ۱۹-۵۰ ساله شهر ساری. پایان‌نامه رشته روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.

عبداله زاده، حسن؛ معصومه باقرپور، سمانه بوژمهرانی و محدثه لطفی (۱۳۸۸). هوش معنوی. تهران: انتشارات روان‌سنجی.

فرامرزی، سالار؛ حسینی محمد سلطان (۱۳۸۸). بررسی هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان. *فصلنامه علمی تخصصی مطالعات علمی و روانشناسی*. س ۳. ش ۵، صفحات ۲۳-۷.

کاپلان، اچ ای و سادوک، بی جی خلاصه روان‌پزشکی، *علوم رفتاری، روان‌پزشکی بالینی* ترجمه حسن رفیعی و فرزین رضاعی (۱۳۸۲). تهران: ارجمند.

کریمی، یوسف (۱۳۷۹). *روان‌شناسی شخصیت*، چاپ ششم، تهران، نشر ویرایش.

کریمی، یوسف؛ *روان‌شناسی شخصیت (نظریه‌ها و مفاهیم)*، تهران، انتشارات پیام نور، (۱۳۸۵). چاپ نهم، ص ۴۶.

کشاورز، امیر؛ شاه‌نظری، مهدی و کلاتری، مهرداد (۱۳۸۸). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با عمل به باورهای دینی در دانشجویان. *دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی*. س ۳. ش ۴، بهار و تابستان (۱۳۸۸). صفحات ۹۶-۸۳

کشمیری، مهدیه؛ عرب احمدی، فاطمه (۱۳۸۷). هنجاریابی مقدماتی آزمون هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه منابع طبیعی شهر گرگان. پایان‌نامه رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.

کشمیری، مهدیه؛ عرب عامری، فاطمه (۱۳۸۶). گزارش درس سمینار در مسائل روانشناسی عمومی. دانشگاه پیام نور بهشهر.

گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت، کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت تبریز، نشر دانیال

معلمی، صدیقه؛ بخشانی، نورمحمد؛ رقیبی، مهوش (۱۳۸۹). بررسی رابطه سلامت روان، هوش معنوی و افکار ناکارآمد در دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان، *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۲ (۴): ۷۰۲-۷۰۹

نصراصفهانی، نرگس؛ اعتمادی، احمد (۱۳۹۱). رابطه ویژگی‌های شخصیتی باهوش معنوی و کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، پژوهش و سلامت، ۲ (۲): ۲۲۶-۲۳۵

نصیحت‌کن، زهراسادات (۱۳۸۹). رابطه سازگاری تحصیلی با ویژگی‌های شخصیتی و نگرش مذهبی دانشجویان دختر دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.

هادی‌تبار، حمیده؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احقر، قدسی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر کیفیت زندگی همسران جانباز شاغل به تحصیل در مدارس بزرگسالان شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۸۹، *مجله طب جانباز*، ۴ (۱۴): ۱-۱۱

Abd Majid, H & Mohamed, N & Mahmud, Z (2010). Narrowing the gap between the ethical and non-ethical values of public sector employees, *Malaysian Accounting Review Special Issue* Vol. 9. No 2, 175-180.

Abdel-Khalek, Ahmed. M. (2013). "[Personality dimensions and religiosity among Kuwaiti Muslim college students](#)", *Personality and Individual Differences*, Volume

- 54, Issue 2, Pages 149-152.
- Amrai K, Farhani A, Ebrahimi M, Bagheriyan V. Relationship between personality traits and spiritual intelligence among university students. *Social and Behavioral Sciences* (2011); 15: 609–612
- Amram (2007). The seven dimensions of spiritual intelligence: An annual (August Ecumenical grounded theory. *Paper presented at the 115th association, San Francisco*. (2007). Conference of the American Psychological, CA.
- Amram, Joseph Yosi. (2007). Ehat is spiritual intelligence? *Institute of transpersonal psychology*. Palo Alto, CA.
- Amram, Joseph Yosi. (2007). The seven dimensions of spiritual intelligence: an ecumenical, grounded theory. Institute of transpersonal psychology. *American psychological association*. San Francisco.
- [Burg](#), S. [Mayers](#), R. A. [Miller](#), L. J (2011). "Spirituality, Religion and Healthy Development in Adolescents", [Encyclopedia of Adolescence](#), (2011), Pages 353–359.
- Coasta, P. T. and Mc Crae, R. R (1992). Professional Manual, NEOPI-R and NEO-FFI Psychological Assessment Resources, Inc.
- Coplan, R. J. Honstings, P. D. Lagace-Spequen, D. G. 8 moulton, F (2002). Authoritative and authoritarian monter's parenting goals, attributions and emotions across different child rearing conteyts parenting, science and practice 2, 1-26.
- Desrosiers, Alethea; Kelley, Brien; S. Miller, Lisa; (2011). "Parent and peer relationships and relational spirituality in adolescents and young adults", *Psychology of Religion and Spirituality*, Vol. 3. No 1, 39-54.
- Duriez, B (2002). As sheep amidst the wolves: Religion in the social environment, Doctoral Dissertation, Leuven: K. U. Leuven.
- Emmons, R. A. (2000). Is spirituality intelligence? Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern. The international. *Journal for the psychology of religion*, 10(1), 3-26.
- Eslami Farsani, Maryam; Arofzad Shahram; Agha Hosaini, Taghi. (2013). "The study of relationship between spiritual intelligence with personality traits among physical education managers in Isfahan province". *Pelagia Research Library Advances in Applied Science Research* (2013). 4(4):140-144
- Fearn, M, Lewis, C. A & Francis, L. J (2003). "Religion and personality among religious studies student: A replication", *Psychological Reports*, 93, p.819-822.
- Francis, L. J & Katz, Y. J (1992), "The relationship between personality and religiosity in an Israeli sample", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 31, p.153-162.
- Saroglou, V (2002). "Beyond dogmatism: The need for closure as related to religion", *Mental Health, Religion & Culture*, 5, p.183-194.
- Gardner H. (1999). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the new millennium*. NewYork: Basic Books.
- Gardner, H. (1993). *Frames of Mind: The Theory of Multiple Intelligences*. New York: Basic Books.
- Garousi MT. (2001). Application of the NEO PIR test and analytic evaluation of its

- characteristics and factorial structure among Iranian university students. *Human Sci Alzahra Uni* (2001).; 11: 30-38.
- Hosseini**, Maryam (Corresponding author) & Habibah, Elias & Steven & Eric Krauss, Steven & Aishah, Siti (2010). The effect of SI-G training on increase SQ among Iraninan student in Malaysia. *International Journal of Psychological Studies* Vol. 2, No. 2.
- Hosseini, M., Habibian, E., Krauss, S. E., & Aishah, S (2010). A Review study on spiritual intelligence, adolescence and spiritual intelligence, factors that may contribute to individual differences in spiritual intelligence and the related theories. *Journal of Social Sciences*, 6(3), 429-438.
- Hosseini. Maryam & Elias, Habibah & Eric Krauss, Steven & Aishah, Siti (2010). A review study on spiritual intelligence, adolescence and spiritual intelligence, factors that may contribute to individual differences in spiritual intelligence, and the related theories. *International. Journal of Psychological Studies Toronto*. Vol. 2, Iss 2; Pg. 179, 10 pgs.
- Jennifer, L.S & Brent, R. (2007). "Social investment and personality: A meta-analysis of the relationship of personality traits to investment in work, family, religion, and volunteerism", *Personality and Social Psychology Review*, 11, p.1-19.
- Julie E. Yonker, Chelsea A. Schnabelrauch, Laura G. DeHaan. (2012). "The relationship between spirituality on psychological outcomes in adolescents and emergeing: A meta-analytic review", *Journal of Adolescence*, Volume 35, Issue 2, April (2012). Pages 299-314.
- King, D. B. (2007). *The Spiritual Intelligence Project*. Trent University, Canada. [www.dbking.net /Spiritual Intelligence](http://www.dbking.net/Spiritual%20Intelligence)
- King, D.B. (2007). *The spiritual intelligence project*. Trent University, Canada. www.dbking.net/spiritualintelligence.
- Kouroush Amrai, Ali Farahani, Mojtaba Ebrahimi, Valiollah Bagherian. (2011). "[Relationship between personality traits and spiritual intelligence among university students](#)", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 15, Pages 609-612.
- Mac Hovec F. (2002). *Spiritual intelligence: The behavioral science and the humanities*. Lewiston, New York: The Mellen Press, (2002).
- Mc Crae, R.R and Costa, P.T (1992). Discriminate validity of NEOPI-R factor scale. *Educational and Psychological Measurement*. 52.
- McCrae, R. R (1996). Towards a new generation of personality theories: Theoretical contexts for the five- factor model, In J. S. Wiggins, *The five- factor model of personality: Theoretical perspectives*, 51-87. New York: Guilford press.
- McHuvek, B. (2003). *Spiritual Intelligence*; www.studentbmj.com.
- Mohammad Zadeh L, SadeghiMovahed F, Ahadi A. Effect of faith on the personality of students in Ardabil medical sciences. *Teb&Tazkiye* (2005); (14): 30-34. [In Persian]
- Nasel D. D. (2004). *Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: a consideration of traditional Christianity and new age*. Individualistic spirituality.

- Thesis submitted for the degree of Ph. D in the University of South Australia, division of education, arts and social sciences, school of psychology.
- Nasel, D. D (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence Australia: university of South Australia.
- Nasel, D. D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. Thesis submitted for the degree of doctor of philosophy in the University of South Australia. Division of education, arts and social sciences, school of psychology, submitted on the 11th of March.
- Nasel, D. D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. Doctoral dissertation. University of South Australia. Australia.
- Nasel, D.D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence a consideration of traditional Christianity and New Age/ individualistic spirituality. Unpublished thesis. Australia: university of South Australia.
- Naser Aghababaei. (2012). "[Personality dimensions and religiosity among Kuwaiti Muslim college students](#)", *Personality and Individual Differences*, Volume 53, Issue 7, Pages 880-883.
- Ross, Ch. F. J, Francis, L. J & Craig, Ch. L (2005). "Dogmatism, religion, and psychological type", *Pastoral Psychology*, 53, p.483-497.
- Selman, Victor. Selman, Jerry. Selman. Ruth Corey. Selman, Elsie. (2005). Spiritual-Intelligence/-Quotient. *The international college teaching methods & styles journal. Third Quarter*. Volume 1, Number 3, p 23-30.
- Sood, Sarita. Bakhshi, Arti. Gupta, Richa. (2012). "Relationship between personality traits, spiritual intelligence and well being in university students", *Journal of Education and Practice*, Vol3, No 10, 2012 pages 55-60.
- Streyffeler, L.L & McNally, R. J (1998). "Fundamentalists and liberals: Personality characteristics of protestant Christians", *Personality and Individual Difference*, 24, p.579-580.
- Unterrainer, H. F. Ladenhauf, K. H. Moazedi, M. L. Wallner-Liebmann, S. J. Fink, A. (2010). "[Dimensions of Religious/Spiritual Well-Being and their relation to Personality and Psychological Well-Being](#)", *Personality and Individual Differences*, Volume 49, Issue 3, Pages 192-197.
- Unterrainer, H.F. Huber, H. P. Sorgo, I. Collicutt, M. J. Fink, A. (2012). "[Dimensions of religious/spiritual well-being and schizotypal personality](#)", *Personality and Individual Differences*, Volume 51, Issue 3, Pages 360-364.
- Wigglesworth, C. (2004). Spiritual intelligence and why is a matter. Retrieved from www.consciouspursuits.com
- Wink, P, Ciciolla, L, Dillon, M & Tracy, A (2007)., "Religiousness, spiritual seeking, and personality: Finding from a longitudinal study", *Journal of Personality*, 75, p.1051.
- Wolman, R.N. (2001). Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters. New York: Harmony Books.

Zohar, D. & Marshall. I. (2000). SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence.
London: Bllomsbury.

یادگار و فلاطیت در علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲



Archive of SID